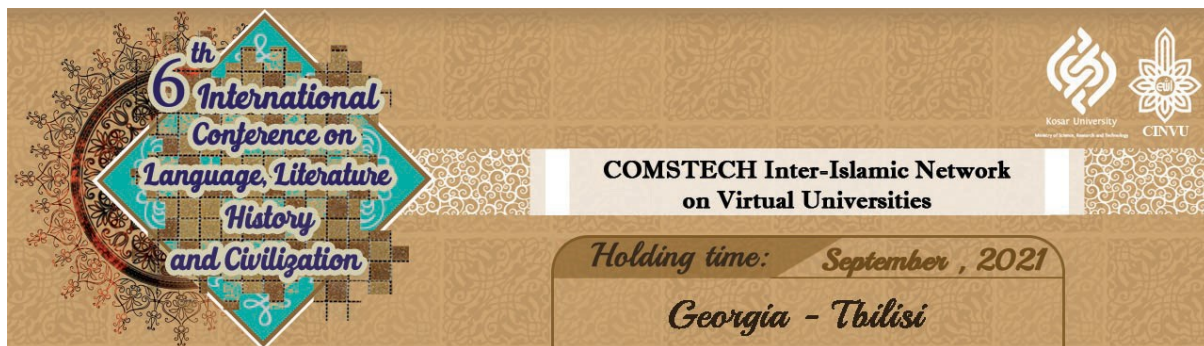




ابن سینا ترجمان زبان گویای ایران باستان برای متأخرین حکمت و فلسفه ایرانی اسلامی

ابوالفضل طباح پور بنان صوفی

دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

چکیده

مرحوم دکتر محمد معین در جلد دوم مزدیسنا و ادب پارسی صفحه ۳۲۲ می فرمایند که ابن سینا gaya پهلوی را که به معنای موجود زنده است را در اثر عدم آشنایی با زبان فارسی پهلوی به صورت گویا در زبان فارسی دری خوانده است و در زبان عربی نیز به ناطق ترجمه کرده، ما در مقاله حاضر می کوشیم تا با استناد به الفاظ حی و حیوان که در منطق شفا و سایر آثار منطقی ابن سینا به زبان عربی و لغت جان در دانشنامه علائی ثابت کنیم که شیخ در خوانش و فهم و ترجمه لغت پهلوی gaya به حی و حیوان و جان دچار اشتباه نشده است و این لغت را به خوبی آن گونه که می بایست ترجمه کرده است و لفظ ناطق در آثار منطقی عربی مانند منطق شفا و غیر هم و هم چنین لفظ سخن گو در دانشنامه علائی ابن سینا به هیچ وجه حاصل خوانش و فهم و ترجمه اشتباه لغت پهلوی gaya که در جای خود به درستی به حی و حیوان و جان ترجمه شده است نیست بلکه لغات ناطق و سخن گو ترجمه لوگوس یونانی است که در واقع در نقش مصاف الیه مستقلى پس از ذکر حی و حیوان و جان به عنوان ترجمه تام و تمام gaya پهلوی می آید تا متمم آن قرار گیرد این ترجمه شیخ به گونه ای در سنت فلسفی اسلامی در طول تاریخ جا افتاد و تثبیت شد که متأثران شیخ نیز بر همین طریق رفتند چنان که حکیم ناصر خسرو بلخی قبادیانی در صفحه ۹۷ جامع الحکمتین می نویسد حد مردم زنده سخن گوی میرنده نهادند که دکتر معین نیز این مطلب را در پاورقی هفتم صفحه ۳۲۴ همان کتاب آورده اند همچنین بنا بر قول خود مرحوم دکتر معین در همان کتاب در صفحه ۳۲۱ ذکر کرده اند که از نظر سهروردی حی ناطق مفهومی است منطبق بر دو گروه: نخست حی ناطق جاویدان شامل فرشتگان و ساکنان عالم بالا و همچنین ادامه میدهند که در نیایش هورخش کبیر شیخ شهاب الدین سهروردی خطاب به خورشید گوید اهلا بالحي الناطق و در پاورقی مربوط به این عبارت در همان صفحه ارجاع داده اند به مقاله ی خودشان که در مجله یغما شماره دوم صفحه ۸۸ به طبع رسیده است، همچنین است تعریف انسان در آثار مرحوم آخوند و سایر فلاسفه صدرایی متأخر بر ایشان مانند مرحوم حاجی سبزواری و مرحوم علامه طباطبایی که در اصل مقاله به بررسی نمونه های آن به صورت مبسوط خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: سانکریت، فارسی باستان، فارسی اوستایی، فارسی پهلوی، فارسی دری، زبان یونانی، زبان عربی، لوگوس، گواکیه، گایا، گای، گی، مارتان، ماشا، مارتایا، مارت، مارتوم، مارد، زی، جیویه، جویه، جیویتی، جیوا، جیوتی، ژیوت، ژیوستن، ژیوندک، عروض شیخ، ساکن، متحرک، شفا، دانشنامه علایی، تطبیق، ترجمه، بوطیقا، اصل یونانی موجود، ارسطو